

پیشگفتار

مطالعات مربوط به حافظه در سه دهه اخیر از توجه و غنای بسیاری برخوردار شده و حجم گسترده‌ای از مطالعات علمی و آزمایشگاهی مربوط به روانشناسی شناختی را دربرگرفته است. این مطالعات هم در افراد عادی و هم در بیماران آسیب‌دیده مغزی انجام گرفته و یافته‌های هر کدام بر غنای مطلب افزوده است. حجم گسترده اطلاعات در این حوزه و اعتقاد به دستیابی محققان و دانشجویان به منبع اصلی باعث شده که در سالهای گذشته نسبت به تألیف یا ترجمه کتابی درباره حافظه اقدام جدی از طرف مؤلف صورت نگیرد. هنگامی که تألیف کتابی درباره حافظه و یادگیری (با رویکردی شناختی) از طرف سازمان «سمت» به اینجانب پیشنهاد شد، احساس کردم که اگرچه امروزه دسترسی به منابع اصلی با سهولت بیشتری صورت می‌پذیرد و یکی از ضروریات زندگی علمی به شمار می‌رود، ولی اولاً، حجم گسترده اطلاعات موجب شده است که مطالب مرتب و منظم در اختیار علاقه‌مندان قرار نگیرد و ثانیاً، تازگی اطلاعات نیز موجب شده است که اصطلاحات و مفاهیم علمی مربوط به این حوزه به درستی تبیین نگردد و دانشجویان و محققان جوان را در استفاده از این اصطلاحات و مفاهیم با سردرگمی روبه‌رو سازد. همچنین تجربه تدریس در کلاسهای دانشگاه (خصوصاً در دوره کارشناسی) نیز به ما می‌آموزد که متأسفانه دانشجویان عزیز ما در استفاده از منابع اصلی تسلط کافی به زبان خارجی (انگلیسی) ندارند و قادر به استفاده کامل از منابع اصلی نیستند، مشکلی که امید است در آینده با همت اساتید و دانشجویان برطرف شود. به ویژه آنکه بازسازی و تغییر در دروس دوره کارشناسی، که در سال 1381 در گروه روانشناسی دانشگاه تهران و در ادامه آن در دانشگاه‌های دیگر که پس از سالها صورت گرفت، و اضافه شدن درسی با عنوان روانشناسی یادگیری (2) با سرفصلهای مربوط به حافظه و یادگیری با رویکرد شناختی، مرا به تألیف کتاب حاضر مصمم کرد.

در تألیف کتاب حاضر از منابع علمی (کتابها و مقاله‌ها) معتبر بسیاری استفاده شده و سعی شده است که در مطالب و سرفصلهای عنوان شده از منابع علمی متنوع و مختلفی استفاده شود هرچند که با توجه به گستردگی مطالب شاید این مهم به طور کامل انجام نگرفته باشد. باید توجه داشت که در تألیف این کتاب از منابع اصلی و دست اول استفاده شده است و به همین منظور نیز در رابطه با برخی از یافته‌ها و آثار و قوانین حافظه که به دو سه دهه اخیر مربوط می‌گردد و در منابع فارسی کمتر بحث شده همان منابع اصلی مربوط به محققان و مؤلفان واضع آن آثار و قوانین مورد استفاده قرار گرفته است و در متون حافظه نیز عموماً به همان منابع اصلی ارجاع می‌شود.

در طرح اولیه کتاب سرفصلهای دیگری نظیر توجه و حافظه، زبان و حافظه و هیجان و حافظه نیز قرار داشت که با توجه به محدودیت حجم کتاب، که برای سه واحد درسی و به ویژه برای دوره کارشناسی (هرچند که این کتاب برای تحصیلات تکمیلی نیز قابل استفاده است) در نظر گرفته شده، از مطالب فوق صرف نظر شد. امید است که سرفصلها و عناوین و مطالب حذف شده در کتاب دیگری به تألیف درآیند. کتاب حاضر شامل شش فصل به شرح زیر است:

در فصل اول، کلیاتی در باب شناخت، حافظه و یادگیری مطرح شده است که شامل مقدمه‌ای در باب اهمیت شناخت و روانشناسی شناختی، تاریخچه روانشناسی و حافظه و یادگیری و تعریف مراحل حافظه است. هدف این فصل آشنایی مقدماتی با مطالعات علمی حافظه بوده است.

در فصل دوم، اصول، آثار و فرضیه‌های مهم حافظه مطرح شده است. هدف اصلی در این فصل آشنایی با اصول و قوانینی است که به‌عنوان یافته‌ها و دستاوردهای مهم علمی امروز در حافظه هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ کاربردی مورد استفاده بسیار قرار گرفته‌اند.

در فصل سوم، انواع حافظه بررسی شده است. از دیرباز انواع حافظه مورد توجه بوده است. امروزه حافظه با توجه به تکالیف مختلف و نظریه‌های گوناگون تنوع بسیاری دارد. در گذشته حافظه به دو نوع کوتاه‌مدت و بلندمدت محدود شده بود، اما امروزه هر یک از دو نوع حافظه کوتاه‌مدت و بلندمدت خود به انواع دیگری تقسیم شده‌اند و محققان بسیاری با توجه به شواهد تجربی و آزمایشگاهی به بحث در مورد انواع حافظه پرداخته‌اند.

در فصل چهارم، نظام بازشناسی در حافظه با توجه به اهمیتی که در نظام شناختی ما دارد بررسی شده است. بازشناسی در سه بخش شیء، چهره و کلمه مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل پنجم، فراموشی به‌عنوان جنبه مهمی از حافظه و یادگیری و با توجه به نظریه‌های گوناگون و انواع تکالیف حافظه بررسی شده است. فراموشی در کودکان، سالمندان و بیماران آمزیک نیز به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل ششم، حافظه در زندگی واقعی و حافظه روزمره مطرح شده است. هدف عمده این فصل آشنایی با مطالعات حافظه در شرایط طبیعی و واقعی زندگی بوده است و اینکه حافظه در زندگی واقعی و روزمره چه استفاده‌ها و کاربردهای عملی می‌تواند داشته باشد. در این فصل درباره حافظه پیش‌گستر (آینده‌نگر)، حواس‌پرتی و لغزش عمل، حافظه فضایی، حافظه شاهدان عینی، حافظه فلاش بالب بحث شده است؛ همچنین شیوه‌هایی برای ارزیابی حافظه و بهبود حافظه پیشنهاد شده است.

سعی بر آن بوده که مطالب هر فصل مستند به مطالعات و تحقیقات تجربی باشد، از این رو کلیه منابع علمی مورد استفاده به طور دقیق در متن و فهرست منابع ذکر شده است. ذکر منابع علمی این امکان را برای علاقه‌مندان و محققان جوان فراهم می‌کند که به طور مستقیم به منابع اصلی دسترسی داشته باشند و در تحقیقات و مطالعات علمی خود از آنها استفاده کنند. نظر به اینکه واژه‌ها و اصطلاحات به‌کار برده شده در این کتاب در فضای علمی کشور جدید و تازه است و هر یک از مؤلفان در کتابهای گوناگون معادلهای فارسی متفاوتی را به‌کار برده‌اند، در خاتمه کتاب واژه‌نامه‌ای تهیه شده است تا هم اصطلاحات و مفاهیم به‌کار برده شده در این کتاب با سهولت بیشتری استفاده شود و هم واژه‌نامه مشترکی در ادبیات حافظه به وجود آید. معادلهای فارسی به‌کار برده شده با توجه به تعریف لغوی و مفهومی و زمینه‌ای که در متون ادبیات حافظه وجود دارد انتخاب شده‌اند.

در پایان از گروه روانشناسی و کارشناسان سازمان «سمت» که امکان تألیف این کتاب را فراهم نمودند کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم. از کلیه صاحب‌نظران و همکاران و محققان دانشگاهی تقاضا دارم کاستیهای این تألیف را با دیده اغماض بنگرند و نکات و پیشنهادهای خود را برای اصلاح و تکمیل کتاب در چاپهای بعدی به اینجانب ارسال فرمایند.

دکتر رضا رومی نوری

دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران

1383